

سفر عجولانه
تناباهو به آمریکا می‌رودتجلیل از فیلسوف
اهدای جایزه به رضا داوری اردکانیایده‌های خسته‌کننده
درباره فیلم قایق سواری در تهرانخوش بینی برقی
ناترازی برق چه شد؟

هم ملی، هم مذهبی

علی اکبر صالحی، رئیس بنیاد ایران‌شناسی می‌گوید:

علامت شیر و خورشید متعلق به جمهوری اسلامی ایران است، اما دیگران از آن استفاده می‌کنند
شیر و خورشید نمادی است که ریشه در هویت ایرانی-اسلامی دارد و هنوز متعلق به ایران است
در صحنه بین‌المللی هم اعلام شده که مالکیت این نشان همچنان با جمهوری اسلامی ایران است
به همین بهانه؛ سازندگی به بررسی ریشه‌های تاریخی این نماد ملی ایرانیان پرداخته است

الهام فخاری

روان‌شناس



در هفته‌های اخیر، جامعه ایران بار دیگر با نمونه‌ای آشکار و عمیق از سوگ جمعی روبه‌رو شده است. فقدان شمار زیادی از هموطنان و عزیزان، نه تنها خانواده‌های داغدار را در بهت فرو برده بلکه احساس فقدان و اندوهی گسترده را در میان تمامی قشرهای جامعه پراکنده کرده است. از منظر روان‌شناسی، آنچه امروز تجربه می‌کنیم، حالتی است که در آن گروه بزرگی از انسان‌ها همزمان اثرات روانی ناشی از یک رویداد ناگوار را تجربه می‌کنند. این درد مشترک، فراتر از یک احساس فردی، به پویایی اجتماعی بدل شده که نیازمند شناخت دقیق و مدیریت علمی است تا از مسیر تخریب روانی به سمت بازسازی امید و همدلی حرکت کنیم. سوگ جمعی در ایران امروز صرفاً یک واکنش به مرگ فیزیکی نیست بلکه در لایه‌های عمیق‌تر با بحران معنا و اضطراب نسبت به آینده گره خورده است. جامعه‌ای که در سال‌های اخیر با انباشت فشارهای اقتصادی، فرسایش امید اجتماعی و تهدیدهای مداوم روبه‌رو بوده اکنون در مواجهه با این سوگ‌های جمعی تاب‌آوری کمتری نشان می‌دهد. وقتی فاجعه یا مرگ‌های دسته‌جمعی رخ می‌دهد، سوگ از حالت شخصی خارج شده و به زبان بی‌کلام هم‌دردی بدل می‌شود. این هم‌دردی گاهی تنها شکل مقاومت روانی در برابر بی‌عدالتی یا فاجعه است و نشان می‌دهد که غم، نه نشانه ضعف بلکه نشانه انسانیت و پیداری جمعی است. یکی از چالش‌های اساسی در این وضعیت، نادیده گرفتن یا انکار این درد واقعی است. اگر سوگ آسیب‌دیدگان به رسمیت شناخته نشود، ذهنی زخمی و تحریک‌پذیر شکل می‌گیرد که به‌راحتی می‌تواند به خشم انباشته و تنش‌های اجتماعی خطرناک منتهی شود. تجارب بین‌المللی در کشورهایی نظیر ژاپن، کره جنوبی و ترکیه نشان می‌دهد که ایجاد فضای امن و فعالیت‌های مبتنی بر مشارکت جامعه می‌تواند، سوگ و خشم جمعی را به فرصتی برای توانمندسازی واقعی تبدیل کند. در این کشورها، خانواده‌های آسیب‌دیده نه فقط گیرنده خدمات بلکه عضوی فعال از فرآیند تصمیم‌گیری و بازسازی بودند. کلید موفقیت این مداخلات، شفافیت و استقلال است؛ حمایت واقعی باید از دل جامعه و توسط تشکلهای مدنی شکل گیرد بدون آنکه هیچ نقش سیاسی یا امنیتی در آن دخیل باشد. در این میان، تفکیک میان سوگ طبیعی و فرآیند افسردگی بسیار حیاتی است. سیستم روانی انسان برای کنار آمدن با فجایع به زمان نیاز دارد و در این وضعیت، زمان گره‌گشاست. سوگ جمعی معمولاً نوسانی است؛ لحظاتی از غم عمیق در کنار لحظاتی از عملکرد نسبتاً طبیعی. اما اگر این واکنش‌ها پس از طی زمان متعارف همچنان با شدت ادامه یابد، خطر ابتلای جامعه به افسردگی اساسی و فرسودگی ناشی از مواجهه مکرر با اخبار ناگوار افزایش می‌یابد. باید اجازه داد، افراد داغدار بدون فشار برای بازگشت ناهنگام به زندگی عادی، احساسات خود را بیسان کنند. برای عبور از این بحران، نخستین گام پذیرش و نام‌گذاری واقعیت است. جامعه نیاز دارد فقدان‌ها را از طریق آیین‌های نمادین به رسمیت بشناسد تا فرآیند درمان آغاز شود. همچنین گفت‌وگو در فضاهای خانوادگی و اجتماعی به کاهش احساس انزوا کمک می‌کند چراکه سوگ جمعی در انزوا تشدید و در ارتباطات انسانی تعدیل می‌شود. در شرایطی که برخی افراد و رسانه‌ها با دسته‌بندی کردن جامعه و اهانت به عزیزان از دست‌رفته بر زخم مردم نمک می‌پاشند، وظیفه نهادهای مدنی و روان‌شناسان این است که پیوندهای انسانی را تقویت کنند. در نهایت، سوگ جمعی اگرچه دردناک است اما یادآور این حقیقت است که ما انسان‌های جدا از هم نیستیم و درد یکی می‌تواند، درد همه باشد. اگر زخم‌ها را ترمیم نمی‌کنیم، دست‌کم نباید بر آنها نمک بپاشیم. بازسازی اجتماعی بدون به رسمیت شناختن سوگ ممکن نیست. جامعه‌ای که بتواند اندوه خود را بدون انکار بیان کند، جامعه‌ای است که قابلیت ترمیم و ساختن آینده را دارد. این مسیر از پذیرش، گفت‌وگو و تبدیل رنج به عمل جمعی می‌گذرد تا از دل این زخم‌ها، فرهنگ همدلی و امید دوباره شکوفا شود.

ریشه‌ها و پیشینه تاریخی

استفاده از نماد شیر و خورشید در تاریخ تمدن ایرانی و خاورمیانه قدمتی طولانی دارد. اغلب پژوهشگران، ریشه این ترکیب نمادین را در اخترشناسی و سنت‌های باستانی جست‌وجو می‌کنند. به عنوان مثال آکسیل کرایه، ایران‌شناس آلمانی، معتقد است ترکیب خورشید بالای شیر از سنت‌های میان‌رودان باستان سرچشمه می‌گیرد؛ در نجوم اسلامی، برج «شیر» جایگاه خورشید است و این ایده «بی‌تردید» منشأی میان‌رودانی دارد.

ادامه در صفحه ۷

استفاده می‌کنند... فلسفه نماد شیر و خورشید مربوط به حضرت علی(ع) است و مالکیت معنوی آن متعلق به ایران است». صالحی افزود که برخی کشورها چندین بار خواسته‌اند از این نماد استفاده کنند اما مخالفت ایران به‌عنوان مالک معنوی نصاد، مانع انجام این کار شده است. این اظهارات صالحی درحالی بیان می‌شود که در اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ در ایران، پرچم شیر و خورشید به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفت و بحث و تبلیغات فراوانی درباره این نماد در شبکه‌های اجتماعی به راه افتاد. حتی شبکه اجتماعی «ایکس»

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



علی اکبر صالحی، رئیس بنیاد ایران‌شناسی و وزیر سابق امور خارجه ایران در تازه‌ترین اظهارات خود تأکید کرد که نماد شیر و خورشید، ریشه‌ای ایرانی-اسلامی دارد و متعلق به جمهوری اسلامی ایران است. او گفت: «شیر و خورشید نمادی است که ریشه در هویت ایرانی-اسلامی دارد و متعلق به جمهوری اسلامی است، اما دیگران از آن



گزارش

انتقاد رئیس قضا از بیانیه‌نویسی

درباره بازداشتی‌های اخیر



گروه سیاسی: غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه، روز گذشته در دیدار با کارکنان دستگاه قضایی استان مرکزی از کسانی که در شرایط کنونی بیانیه می‌نویسند، انتقاد کرد و گفت که برخی از همراهان سابق انقلاب با انتشار بیانیه‌هایی هم‌صدا با دشمن حرکت می‌کنند. گرچه اژه‌ای از کسی نام نبرد اما به‌نظر می‌رسد، اشاره او به افرادی همچون میرحسین موسوی، مهدی کروبی، مصطفی تاجزاده و نویسندگان بیانیه ۱۷ تن است که در واکنش به کشتار حوادث اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ منتشر شده است.

سخنان رئیس قوه قضائیه درحالی مطرح شد که عصر شنبه ۱۸ بهمن، قربان بهزادیان‌نژاد، مشاور پیشین میرحسین موسوی و از امضاکنندگان بیانیه ۱۷ تن در تهران بازداشت شد. «بیانیه ۱۷ تن» در واکنش به اعتراضات گسترده دی‌ماه ۱۴۰۴ منتشر شد.

بهزادیان‌نژاد، پژوهشگر و مترجم حوزه تاریخ و اخلاق پزشکی، استاد پیشین دانشگاه تربیت مدرس و از چهره‌های نزدیک به میرحسین موسوی است که در انتخابات ۱۳۸۸ ریاست ستاد انتخاباتی، او را برعهده داشت. خبرگزاری فارس، اتهام انتسابی به بهزادیان‌نژاد را «حمایت از اقدامات گروه‌های تروریستی در کودتای نافرجام دی‌ماه ۱۴۰۴» عنوان کرده است. این خبرگزاری همچنین با اعلام اینکه «بهزادیان‌نژاد به‌دلیل همراهی با پروژه‌های براندازی در سال‌های قبل بازداشت و در اسفند ۱۴۰۳ مشمول عفو شده» از او به‌عنوان «مشاور موسوی در تدوین بیانیه‌های ساختارشکنانه» یاد کرده است. تسنیم هم او را «مشاور موسوی و مرتبط اردشیر امیرارجمند عامل سرویس‌های جاسوسی اروپایی» معرفی کرد. با این حال، جزئیات دقیقی از بازداشت یا نهاد بازداشت‌کننده او به‌طور رسمی اعلام نشده است. بازداشت بهزادیان‌نژاد درحالی صورت گرفت که طی روزهای اخیر، سه نفر دیگر از امضاکنندگان بیانیه شامل عبدالله مومنی، مهدی محمودیان و ویدا ربانی نیز بازداشت شده‌اند.

عبدالله مومنی از چهره‌های قدیمی جنبش دانشجویی و سنجگویی ادوار تحکیم وحدت است که فعالیت‌هایش بیشتر حول نقد ساختار قدرت و مشارکت در بیانیه‌های سیاسی متمرکز بوده و پس از انتخابات ۱۳۸۸ بارها با احضار و پرونده‌های قضایی روبه‌رو شده است. مهدی محمودیان، کنشگر سیاسی و رسانه‌ای نیز پیش از ۱۳۸۸ فعال بوده و پس از آن به دلیل افشاگری و نقد نهادهای قدرت، بارها بازداشت شده است. ویدا ربانی، روزنامه‌نگار نسل جدید هم بیشتر در حوزه گزارش‌های اجتماعی، مطالبات صنفی و مسائل روزمره فعال بوده و به دلیل پوشش موضوعات حساس اجتماعی با فشارهای قضایی مواجه شده است.



کلید موفقیت در مذاکرات

کمال خرازی و علی‌اکبر صالحی تأکید کردند که دیپلماسی موفق ایران در گرو انسجام داخلی و استقلال سیاسی است



گروه سیاسی: سیاست خارجی ایران در سال‌های اخیر همواره با چالش‌های داخلی و بین‌المللی پیچیده‌ای مواجه بوده است ازجمله تعیین تکلیف روابط بین‌الملل، حفظ استقلال سیاسی و یافتن راهبردی مؤثر در مذاکرات بین‌المللی. دیپلمات‌ها و کارشناسان معتقدند که موفقیت ایران در مذاکرات تنها به مهارت مذاکره‌کننده محدود نیست بلکه نیازمند آمادگی داخلی، انسجام ملی و درک درست از رفتار طرف مقابل است. در این چارچوب، کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی و علی‌اکبر صالحی، وزیر خارجه اسبق، روز گذشته در اولین کنگره ملی سیاست خارجی و تاریخ روابط خارجی به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های سیاست خارجی ایران پرداختند و بر اهمیت استقلال، مقاومت و دیپلماسی هوشمندانه تأکید کردند. خرازی با اشاره به تجربه جنگ ۸ ساله و جنگ ۱۲ روزه، تأکید کرد که موفقیت مذاکرات بدون پشتوانه داخلی و مشارکت عمومی امکان‌پذیر نیست و کشور در مواجهه با دشمنان باید متناسب با رفتار آنها واکنش نشان دهد. صالحی نیز درباره دور جدید مذاکرات ایران و آمریکا ابراز امیدواری کرد و گفت که انسجام داخلی پشتوانه قوی برای تیم مذاکره‌کننده فراهم می‌کند و قضاوت درباره مذاکرات باید براساس عملکرد فعلی طرف مقابل باشد.

موفقیت مذاکرات به پشتوانه داخلی وابسته است

کمال خرازی در آغاز سخنان خود به یکی از چالش‌های بنیادین سیاست خارجی ایران اشاره کرد و گفت که در بحث تئوری، بزرگ‌ترین چالشی که از اول انقلاب داریم، تئوریزه کردن آرمان‌ها و اهدافی است که انقلاب بر پایه آن به‌وجود آمد؛ ازجمله مسئله استقلال. تئوریزه کردن آن آرمان‌ها و روش‌های رسیدن به آن، چالشی است که هنوز هم برقرار است. به دلیل اینکه ما نتوانستیم با دانش سیاسی که داریم، نوع حکمرانی خود را تئوریزه کنیم، ازجمله در صحنه روابط خارجی، این مسئله موجب مشکلات زیادی برای کشور شده است. او افزود که این موضوع تنها در صحنه بین‌المللی بلکه در صحنه داخلی هم موجب مشکل شده است زیرا نظر به‌های دانشگاهی ما عمدتاً غربی و متناسب با شرایط ایران نیستند و نمی‌توانند ما را به آرمان‌هایمان برسانند. خرازی تأکید کرد که اکنون بیش از پیش نیاز به ابزار نظری داریم تا با توجه به

سیاست

جنگال فایل صوتی

ثابتی از شکوری‌راد خواست مستندات ادعاهای خود را ارائه کند

گروه سیاسی: امیرحسین ثابتی، نماینده اصولگرای مجلس با خطاب قرار دادن علی شکوری‌راد نوشت: اخیراً یک فایل صوتی از شما در فضای مجازی منتشر شده که در آن مدعی شده‌اید نیروهای نظامی و امنیتی به دست خودشان، خودشان را کشته‌اند و تخریب و آتش زدن بسیاری از مساجد نیز کار همین افراد بوده است! اگر مستنداتی در این باره دارید را به بنده برسانید. در پی اظهارات علی شکوری‌راد، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و دبیرکل سابق حزب اتحاد ملت درباره حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴ امیرحسین ثابتی در نامه‌ای از او خواست مستندات سخنان خود را برای بررسی به او بدهد. ثابتی خطاب به شکوری‌راد نوشته است: «اخیراً یک فایل صوتی از شما در فضای مجازی منتشر شده که در آن ادعاهای عجیب و بی‌سندی را مطرح کرده‌اید که با استقبال گسترده رسانه‌های ضدایرانی، منافقین و... مواجه شده است. در بخشی از این فایل صوتی مدعی شده‌اید نیروهای نظامی و امنیتی به‌دست خودشان، خودشان را

کشته‌اند و تخریب و آتش زدن بسیاری از مساجد نیز کار همین افراد بوده است!

اینجانب به‌عنوان یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی آمادگی دارم تا فارغ از تمام اختلاف نظرات سیاسی با جنابعالی اگر مستنداتی در این باره دارید را به بنده برسانید تا از طریق مجلس و سایر دستگاه‌های مربوطه این موضوع را تا آخر پیگیری و نتیجه نهایی را نیز به مردم اعلام کنم اما چنانچه نتوانید مستنداتی درباره ادعاهای سنگین و عجیب و غریب‌تان ارائه



استفاده کند. وی همچنین به ضرورت وجود ساختارهای سیاسی داخلی قوی شامل احزاب و رسانه‌های مستقل، اشاره کرد تا قدرت چانه‌زنی ایران در مذاکرات افزایش یابد و از بروز آشفتنگی در تعاملات بین‌المللی جلوگیری شود.

صالحی بر استقلال سیاسی ایران و هویت ملی-اسلامی به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در موفقیت مذاکرات تأکید کرد و گفت که ایران پس از انقلاب تصمیم گرفته دیگر غلام حلقه‌به‌گوش هیچ ابرقدرتی نباشد. این استقلال سیاسی شرط لازم برای مذاکرات مؤثر است زیرا بدون آن، کشور نمی‌تواند موضع قاطعانه خود را منتقل کرده و از منافع ملی دفاع کند. او همچنین تأکید کرد که هویت ایرانی و اسلامی مکمل یکدیگرند و پاسداری هوشمندانه از این هویت‌ها، پایه قدرت نرم و مشروعیت ملی ایران را در مذاکرات بین‌المللی و تعاملات منطقه‌ای تقویت می‌کند.

صالحی درباره دور جدید مذاکرات ایران و آمریکا نیز ابراز امیدواری کرد و گفت که اگر در داخل کشور انسجام و یک‌صدایی وجود داشته باشد، این امر پشتوانه قوی برای تیم مذاکره‌کننده فراهم می‌کند. او افزود که قضاوت درباره مذاکرات باید براساس شرایط و عملکرد فعلی طرف مقابل باشد و تجربه گذشته نباید مانع حرکت هوشمندانه به جلو شود. این نکته بر اهمیت ترکیب قدرت داخلی، تحلیل دقیق محیط بین‌المللی و اتخاذ تصمیمات واقع‌بینانه در مذاکرات تأکید دارد.

مباحث مطرح شده در کنگره ملی سیاست خارجی و تاریخ روابط خارجی بر این مهم تأکید دارد که موفقیت ایران در مذاکرات بین‌المللی تنها به مهارت دیپلمات‌ها محدود نمی‌شود بلکه نتیجه یک فرآیند گسترده است که شامل آمادگی نظری، انسجام داخلی، قدرت دفاعی و نرم و درک دقیق رفتار طرف مقابل است. مذاکرات، بخشی از یک مجموعه بزرگ‌تر است و بدون تقویت بنیان‌های داخلی، ثبات اجتماعی و انسجام ملی، نمی‌تواند به اهداف بلندمدت کشور دست یابد. سخنان خرازی و صالحی این پیام را منتقل می‌کند که دیپلماسی موفق، نتیجه آمادگی داخلی، توان نظری و عملی و مشارکت همه‌جانبه جامعه است و بدون این عناصر، مذاکرات بین‌المللی و تلاش برای حفظ استقلال و منافع ملی ناقص خواهد بود.

کنید به‌عنوان کسی که سابقه حضور در مجلس را داشته‌اید و سال‌ها کار سیاسی کرده‌اید، ظلم بزرگی به نظام جمهوری اسلامی و نیروهای مظلوم نظامی و امنیتی کشور کرده‌اید که بعید است حتی با استغفار و عذرخواهی علنی شما نیز جبران شود و حتماً قوه قضائیه باید شما را محاکمه کند».

در روزهای اخیر، علی شکوری‌راد، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و نماینده پیشین مجلس، اظهاراتی درباره اعتراضات دی‌ماه مطرح کرده که در فضای رسانه‌ای و سیاسی ایران بازتاب گسترده‌ای داشته است.

شکوری‌راد به دوقطبی اجتماعی و افزایش خشونت در جامعه اشاره کرده و نگرانی خود را از عمیق‌تر شدن فاصله میان گروه‌های مختلف ابراز کرده است. این اظهارات، واکنش‌های متعددی را به‌دنبال داشت و موجب شد تا برخی چهره‌های سیاسی، ازجمله امیرحسین ثابتی، خواستار بررسی و ارائه مستندات از سوی او شوند.

دخالت هندی

هند سه نفتکش ایرانی را توقیف کرد

گروه بین‌الملل: گارد ساحلی هند روز گذشته از توقیف سه نفتکش مرتبط با ایران در آب‌های بین‌المللی نزدیک بمبئی خبر داد؛ اقدامی که به گفته مقام‌های هندی در چارچوب مقابله با فعالیت‌های غیرقانونی ازجمله فروش نفت با قیمت پایین و قاچاق سوخت انجام شده است. این نفتکش‌ها بنا بر اسناد موجود، بخشی از «ناوگان سایه» ایران محسوب می‌شوند و در فهرست تحریم‌های ایالات متحده قرار داشته‌اند؛ ناوگانی که واشنگتن آن را ابزار تهران برای دور زدن محدودیت‌های بین‌المللی و ادامه صادرات انرژی می‌داند.

پیش‌تر وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرده بود ۱۵ نهاد، دو فرد و ۱۴ کشتی مرتبط با آنچه «تجارت غیرقانونی نفت خام، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی با منشأ ایران» خوانده می‌شود را تحریم کرده است. مقام‌های آمریکایی مدعی هستند، درآمد حاصل از این تجارت برای تأمین مالی فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده در سطح منطقه و تشدید سرکوب داخلی در ایران به‌کار گرفته می‌شود. در همین راستا، تامی پیگوت، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، تأکید کرده که دونالد ترامپ متعهد است در چارچوب سیاست فشار حداکثری، صادرات غیرقانونی نفت و محصولات پتروشیمی ایران را به حداقل برساند.

جهان

سفر عجولانه

نتانیاهو به آمریکا می‌رود

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

پس از برگزاری مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در عمان، نشانه‌هایی از شکل‌گیری یک فضای نسبتاً مثبت برای ادامه گفت‌وگوها پدیدار شده است؛ فضایی که اگرچه هنوز شکننده و محدود است اما در مقایسه با ماه‌های گذشته، نوعی کاهش تنش تاکتیکی را بازتاب می‌دهد. با این حال، همزمانی این روند با تصمیم بنیامین نتانیاهو برای جلو انداختن سفر خود به واشنگتن، نشان می‌دهد که بازیگران کلیدی منطقه‌ای و بین‌المللی در حال بازتنظیم محاسبات راهبردی خود هستند و تلاش می‌کنند، مسیر مذاکرات را پیش از تثبیت آن به‌نفع منافع امنیتی و ژئوپلیتیکی خود شکل دهند. این سفر، که به‌طور معناداری پیش از زمان برنامه‌ریزی‌شده و در آستانه تحولات حساس دیپلماتیک انجام می‌شود، نه یک اقدام تشریفاتی بلکه بخشی از یک عملیات سیاسی -امنیتی برای تأثیرگذاری مستقیم بر چارچوب احتمالی توافق تهران و واشنگتن است.

رسانه‌های اسرائیلی گزارش داده‌اند که نتانیاهو در دیدار با دونالد ترامپ، مجموعه‌ای از مطالبات حداکثری را مطرح خواهد کرد که عملاً فراتر از چارچوب مذاکرات هسته‌ای قرار می‌گیرند و در صورت پذیرش، ماهیت هرگونه توافق را به یک بسته جامع امنیتی -سیاسی تبدیل می‌کنند. نخستین مطالبه، برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران و انتقال ذخایر اورانیوم غنی‌شده به خارج از کشور است؛ خواسته‌ای که از منظر تهران نه‌تنها غیر قابل قبول بلکه مغایر با حقوق شناخته‌شده در چارچوب معاهده عدم اشاعه تلقی می‌شود. دومین محور، اعمال محدودیت بر برد موشک‌های بالستیک ایران تا سقف ۳۰۰ کیلومتر است که در عمل به‌معنای حذف بازدارندگی راهبردی ایران در برابر اسرائیل و دیگر بازیگران فرامنطقه‌ای خواهد بود. سسومین مطالبه به توقف حمایت ایران از بازیگران غیردولتی منطقه‌ای مربوط می‌شود؛ مسئله‌ای که برای تهران، بخشی از عمق راهبردی و سیاست بازدارندگی غیرمتقارن محسوب می‌شود و در چارچوب مذاکرات هسته‌ای نیز همواره خارج از دستورکار قرار داشته است. چهارمین محور، اعمال رژیم نظارتی بی‌سابقه با اختیارات گسترده برای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است که شامل بازرسی‌های سرزده از هرگونه سایت نظامی و غیرنظامی می‌شو؛ مطالبه‌ای که از منظر ایران به‌طور مستقیم با ملاحظات حاکمیتی و امنیت ملی در تعارض است.

نگرانی اصلی تل‌آویو از منظر راهبردی این است که دولت ترامپ به سمت یک توافق سریع و محدود حرکت کند که تمرکز آن صرفاً بر توقف پیشرفت‌های هسته‌ای ایران در برابر کاهش

این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که دولت ترامپ طی یک ماه گذشته حضور نظامی ایالات متحده در نزدیکی سواحل ایران را افزایش داده و همزمان با تشدید لحن تهدیدآمیز خود تلاش کرده از ترکیب فشار نظامی محدود و ابزارهای اقتصادی برای وادار کردن تهران به امتیازدهی استفاده کند. در همین چارچوب همزمان با آغاز مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در عمان، رئیس‌جمهور آمریکا فرمان اجرایی تازه‌ای را امضا کرد که به واشنگتن اختیار می‌دهد بر کشورهایی که با ایران تجارت می‌کنند، تعرفه ۲۵ درصدی اعمال کند.

براساس این فرمان، ایالات متحده می‌تواند بر کالاهای وارداتی از کشورهایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از ایران کالا یا خدمات خریداری می‌کنند، تعرفه اضافی وضع کند. این دستور که در ۹ بخش تنظیم شده با استناد به اختیارات ریاست‌جمهوری در قانون اساسی آمریکا و «قانون اختیارات اقتصادی در شرایط اضطراری بین‌المللی» صادر شده و سازوکار اجرایی مشخصی دارد، ابتدا وزارت بازرگانی موظف است، کشورهایی که با ایران مراوده اقتصادی دارند را شناسایی کند و پس از اثبات این ارتباط، وزارت امور خارجه با همکاری خزانه‌داری، وزارت بازرگانی، وزارت امنیت داخلی و نماینده تجاری آمریکا، دامنه و میزان

تعرفه‌ها را تعیین کرده و پیشنهاد نهایی را برای تصمیم‌گیری به رئیس‌جمهور ارائه دهد. در صورت واکنش متقابل کشورهای هدف، ترامپ اختیار دارد تعرفه‌ها را افزایش داده یا اقدامات تنبیهی تازه‌ای اعمال کند.

راهبرد دولت ترامپ برای تمرکز بر فشار اقتصادی به‌جای مداخله نظامی گسترده، ریشه در محاسبات راهبردی دارد که «تسلیم راهبردی» تهران را بدون ورود به جنگی پرهزینه دنبال می‌کند. در این رویکرد، سلطه آمریکا بر نظام مالی جهانی و شبکه تجارت بین‌المللی به‌عنوان اهرمی برای گرفتن امتیازات بنیادین از ایران در حوزه برنامه هسته‌ای و نفوذ منطقه‌ای به‌کار گرفته می‌شود بدون آنکه هزینه‌های سیاسی و انسانی یک جنگ بزرگ در خاورمیانه، متوجه واشنگتن شود.

دولت آمریکا فشار اقتصادی را نامتقارن‌ترین و مؤثرترین ابزار خود می‌داند. هدف این راهبرد ایجاد محیطی «فلج‌کننده»



حداکثری اسرائیل و مواضع رسمی ایران بسیار عمیق است. در عین حال، ایران تلاش دارد با تأکید بر دیپلماسی هوشمندانه و رازینی با کشورهای منطقه، تصویری از مسئولیت‌پذیری و تمایل به کاهش تنش ارائه دهد، درحالی که همزمان آمادگی دفاعی خود را به‌عنوان عنصر بازدارنده حفظ می‌کند. از منظر استراتژیک، سفر نتانیاهو به واشنگتن را می‌توان به‌عنوان یک نقطه عطف در تعیین جهت‌گیری مذاکرات آینده ارزیابی کرد. اهمیت این سفر نه در صدور بیانیه‌های نمادین بلکه در توانایی آن برای شکل‌دهی به خطوط قرمز دولت ترامپ نهفته است. اگر نتانیاهو موفق شود، کاخ سفید را متقاعد کند که مطالبات حداکثری خود، به‌ویژه در حوزه موشکی و منطقه‌ای، را به‌عنوان شروط هر توافقی تثبیت کند، احتمال دستیابی به توافق کاهش می‌یابد و منطقه در وضعیت آمادہ‌باش دائمی باقی خواهد ماند. چنین سناریویی می‌تواند به افزایش رقابت تسلیحاتی، تشدید اقدامات نیابتی و تداوم نااطمینانی راهبردی در خاورمیانه منجر شود.

در مقابل، اگر آمریکا به سمت یک توافق محدود صرفاً هسته‌ای حرکت کند این اقدام احتمالاً شکافی آشکار میان واشنگتن و تل‌آویو ایجاد خواهد کرد. در چنین شرایطی، اسرائیل ممکن است گزینه اقدام یک‌جانبه را مجدداً در دستورکار قرار دهد، چه در قالب عملیات سایبری و اطلاعاتی و چه در قالب اقدامات نظامی محدود. این سناریو نیز خطر محاسبه غلط و تشدید ناخواسته تنش را افزایش می‌دهد. از منظر واشنگتن، چالش اصلی یافتن توازن میان کاهش خطر هسته‌ای و حفظ اتحاد راهبردی با اسرائیل است؛ توازنی که در فضای سیاست داخلی آمریکا و رقابت‌های انتخاباتی نیز تحت فشار قرار دارد. در مجموع، مذاکرات عمان و سفر شتاب‌زده نتانیاهو به واشنگتن نشان می‌دهد که پرونده ایران از سطح یک موضوع فنی هسته‌ای فراتر رفته و به یک گرگانه ژئوپلیتیکی تبدیل شده است که در آن محاسبات بازدارندگی، سیاست داخلی، اتحادهای منطقه‌ای و رقابت قدرت‌های بزرگ به‌طور همزمان در حال تعامل هستند. آینده این روند به میزان انعطاف‌پذیری طرف‌ها و توانایی آنها در مدیریت شکاف‌های راهبردی بستگی دارد اما در کوتاه‌مدت، به‌نظر می‌رسد که فضای تصمیم‌گیری بیش از آنکه به سمت مصالحه پایدار حرکت کند، در مسیر رقابت کنترل‌شده و مدیریت بحران باقی خواهد ماند.



است که در آن رهبران ایران ناچار شوند میان تداوم سیاست خارجی تهاجمی و حفظ ثبات داخلی یکی را انتخاب کنند. با قطع دسترسی بانکی و دلسرد کردن خریداران بزرگ آسیایی از طریق جریمه‌های تجاری، واشنگتن تلاش می‌کند از آسیب‌پذیری‌های ساختاری اقتصاد ایران مانند تورم مزمن، بحران انرژی و وابستگی شدید به صادرات نفت بهره‌برد و تهران را به پذیرش شروط آمریکا در مذاکرات سوق دهد.

در نگاه واشنگتن، فشار اقتصادی ابزار پایداری است که با موانع سیاسی داخلی کمتری مواجه می‌شود زیرا اعمال تحریم‌ها و تعرفه‌ها معمولاً نیازمند نظارت گسترده کنگره نیست و می‌تواند با سرعت بیشتری اجرایی شود. علاوه بر این استفاده از تعرفه‌ها به‌عنوان ابزار سیاست خارجی، متحدان و رقبای آمریکا را وادار می‌کند تا میان بازار ایران و بازار بسیار بزرگ‌تر مصرف‌کنندگان آمریکا یکی را انتخاب کنند.

اروپا

اقدامی معنادار علیه ترامپ

افتتاح کنسولگری فرانسه و کانادا در گرینلند

در اقدامی معنادار در حمایت از دانمارک و جزیره خودمختار گرینلند، فرانسه و کانادا با افتتاح کنسولگری‌های دیپلماتیک در پایتخت گرینلند، پیام روشنی به واشنگتن فرستادند. این اقدام دیپلماتیک درحالی انجام می‌شود که ایالات متحده طی هفته‌های اخیر، تلاش‌های تازه‌ای را برای افزایش نفوذ و حتی تسلط بر این قلمرو نیمه‌خودمختار دانمارکی آغاز کرده است؛ تلاش‌هایی که با واکنش منفی کشورهای اروپایی روبه‌رو شده است. گرینلند که بزرگ‌ترین جزیره جهان به‌شمار می‌رود به دلیل موقعیت راهبردی در قطب شمال و منابع طبیعی گسترده، سال‌هاست مورد توجه قدرت‌های جهانی قرار دارد. اما تهدیدهای اخیر واشنگتن برای کنترل این منطقه، نگرانی‌های جدی در اروپا به‌ویژه در دانمارک ایجاد کرده است. مقامات فرانسوی و کانادایی اعلام کرده‌اند که هدف از افتتاح این کنسولگری‌ها، تقویت روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با گرینلند و حمایت از ثبات در منطقه قطب شمال است. ناظران سیاسی این اقدام را نوعی پاسخ هماهنگ اروپایی به فشارهای فزاینده آمریکا می‌دانند. دولت دانمارک نیز از این تصمیم استقبال کرده و آن را نشانه‌ای از همبستگی بین متحدان ناتو توصیف کرده است. با این حال «اویو یان موتزفلد» وزیر امور خارجه گرینلند شامگاه شنبه طی یک کنفرانس مطبوعاتی در شهر نوک، پایتخت گرینلند به همراه هم‌تایان دانمارکی و کانادایی خود عنوان کرد: «ما هنوز به جایی که می‌خواهیم نرسیده‌ایم. مسیر طولانی در پیش است بنابراین خیلی زود است که بگویم در پایان به کجا خواهیم رسید». وزیر خارجه گرینلند در ادامه تأکید کرد: «اگرینلند با دوران سختی مواجه است و من می‌خواهم از کانادا به خاطر دوست و حامی ثابت قدم کشورمان تشکر کنم». ایالات متحده پیش‌تر بارها علاقه خود را به گرینلند اعلام کرده و حتی پیشنهاد خرید این جزیره را مطرح کرده بود؛ پیشنهادی که از سوی دانمارک و مقامات گرینلندی به‌طور قاطع رد شد. به نظر می‌رسد اروپا قصد دارد، حضور و نفوذ خود را در این منطقه بیش از پیش تقویت کند.



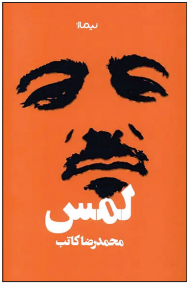
کتاب سال

از کاتب تا یوسا

مروری بر ادبیاتی‌های برگزیده و شایسته تقدیر جایزهٔ کتاب سال

چهل‌وسومین دورهٔ جایزه کتاب سال در تالار وحدت برگزار شد و برگزیدگان و شایستگان تقدیر این دوره در بخش‌های مختلف، از جمله ادبیات، معرفی شدند. خبرگزاری ایبنا مروری داشته بر کتاب‌هایی که در این دوره از جایزه کتاب سال در حوزه‌های ادبیات بزرگ‌سال و کودک و نوجوان، چه در حوزه ترجمه و چه تألیف و تحقیق و تصحیح متن و نقد ادبی، به‌عنوان آثار برگزیده و شایسته تقدیر معرفی شدند.

رمان و داستان کوتاه



امسال جایزه کتاب سال در بخش رمان ایرانی‌به «لمس» از محمدرضا کاتب تعلق گرفت؛ رمانی که ادامهٔ سبک همیشگی کاتب در روایت‌گری است و همان راهی را می‌رود که کاتب با رمان «هیس» به‌طور جدی آغاز کرد و با «پستی» و

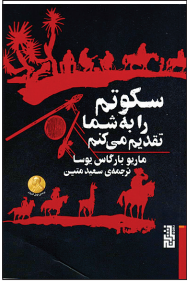
«وقت قصیر» و دیگر رمان‌هایش تا «لمس» که تازه‌ترین اثر اوست ادامه‌اش داشت. در «لمس» نیز، مانند بسیاری از آثار کاتب، جنایت و مرگ از مضامین محوری داستان است. همچنین در این اثر نیز با عدم قطعیت و تکتُر معمول در آثار این نویسنده مواجهیم. «لمس» داستان یک قتل است و داستان مردی به‌نام صبور که به‌اتهام این قتل بازداشت می‌شود و این سرآغاز یک کلاف سردرگم است و سرآغاز یک بازی غریب و پیچیده که خود را نه‌فقط در محتوا که در فرم رمان نیز به رخ می‌کشد. اما در بخش داستان کوتاه، امسال مجموعه داستان «من این‌بطوطه هستم» نوشتهٔ خسرو عباسی خودلان به‌عنوان مجموعه داستان برگزیده کتاب سال معرفی شد؛ مجموعه داستانی که در آن به مضامینی چون تبعید، مهاجرت، سفر و جاکن‌شدن و سرگردانی و سرگشتگی پرداخته شده است.

متون قدیم



نسبیبی «بهره برده است. این روش وقتی به کار می‌رود که هیچ‌دست‌نویس واحدی از یک متن کهن، آن‌قدر قدیمی و بی‌عیب نباشد که بتوان به عنوان مرجع به آن اتکا کرد. بنابراین مصحح از میان نسخه‌های موجود، اصیل‌ترین آن‌ها را ملاک می‌گیرد. در تصحیح آبدیان از دیوان منوچهری، نسخه پاریس به عنوان اساس نسبی، ملاک قرار گرفته است. این تصحیح تازه فرصتی است برای خواندن نسخه‌ای دقیق‌تر از اشعار شاعری بزرگ در سبک خراسانی که طبیعت را با کلمات، به طرز سحرآمیز و غریبی نقاشی می‌کرد و تصاویری بدیع از طبیعت ارائه می‌داد.

زبان‌های دیگر



در بخش ادبیات ترجمه، دو اثر در جایزه کتاب سال امسال به عنوان آثار شایسته تقدیر معرفی شدند؛ یکی «رمان سکوت‌م را به شما تقدیم می‌کنم» ماریو بارگاس یوسا با ترجمهٔ سعید متین که نشر برج آن را منتشر کرده و دیگری

«کتاب‌رسان» نوشته کارستن هِن به ترجمه حسین تهرانی که نشر ثالث منتشرش کرده است. «سکوت‌م را به شما تقدیم می‌کنم» آخرین رمان یوسا و دعوتی است به بازاندیشی دربارهٔ رابطهٔ هنر و هویت و سیاست. غول

کافه

تازه‌های ادب و هنر

تجلیل از فیلسوف

برگزیدگان و شایستگان تقدیر چهل‌وسومین دورهٔ جایزهٔ کتاب سال معرفی شدند

ایران و کتاب دو همزاد هستند

محمدعلی مهدوی‌راد، دبیر علمی کتاب سال نیز در سخنانی با اشاره به کتاب‌هایی که در این جایزه بررسی می‌شوند، گفت: «برای این دوره از کتاب سال، ۷۴ هزار و ۲۰۸ عنوان کتاب چاپ اول ارسال شده بود که از این میان ۲۰ هزار و ۸۸۶ عنوان به‌نظر داوران، قابلیت داوری داشتند و در بررسی اولیه غربال شدند. ۲۳۵ عنوان به مرحلهٔ دوم راه یافتند که در این مرحله هر کدام توسط سه‌داور بررسی شدند که ۶۱ عنوان به عنوان آثار منتخب انتخاب شدند؛ ۱۴ برگزیده و ۴۷ شایسته تقدیر. ۷۲ گروه داریم که در هر گروه یک برگزیده و تقدیری خواهیم داشت و این به این معنا نیست که کتاب‌های دیگر به کار نمی‌آید. بسیاری از کتاب‌ها سزآمدنی و کارآمدی دارند. ما سویه خاصی نداشته‌یم و جز توجه به معیارهایی که باید بر اساس آن‌ها کتاب‌ها بررسی می‌شد، کار دیگری انجام ندادیم، البته شاید کاستی‌هایی داشته باشیم. امیدواریم این جایزه در شأن جمهوری اسلامی باشد.»

در ادامه این مراسم سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در سخنانی با بیان این‌که نام ایران و کتاب دو همزاد هستند، گفت: «ایران و تاریخ هزاران‌ساله این سرزمین با کتاب پیوند خورده است. ایران تنها تمدنی است که پیوستگی تمدنی هزاران‌ساله دارد که هسته معنایی آن کتاب بوده است. چه ایران قبل از اسلام و چه ایران بعد از اسلام با کتاب پیوند دارد.»

آثار برگزیده

کلیات / اسناد: مجموعه آثار میرزاحسن رشدیه تبریزی، پژوهش سیدرضا باقریان‌موحد، با همکاری بهدخت رشدیه، قم: مؤسسه فرهنگی طه.
فلسفه و روان‌شناسی / فلسفه اسلامی: المبدأ و المعاد، تألیف ابوالعی حسین بن عبدالله بن سینا، تصحیح سیدحامد هاشمی، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

دین / حدیث: عبقات الأنوار فسی امامه الاثمه الاطهار علیهم‌السلام، تألیف میرحامد حسین لکهنوی، قم: بنیاد بین‌المللی امامت.

دین / فقه و اصول: نهایه الوصول إلی علم الأصول، تألیف غلامه حلی، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.

دین / کلام: کلام اسلامی؛ شرحی بر کشف المراد، تألیف و ویرایش حسن یوسفیان، قم: مجمع عالی حکمت اسلامی.

هنر / شهرسازی: شهرشناسی استرپاد: دگرگونی‌های بافت شهری گرگان، تألیف یعقوب رشتچیان، گرگان: در گلستانه.

ادبیات/ داستان بلند و رمان: لمس، نوشتهٔ محمدرضا کاتب، نیماز.

ادبیات/ داستان کوتاه: من این‌بطوطه هستم، نوشتهٔ خسرو عباسی خودلان،

اختتامیه چهل‌وسومین دورهٔ جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران با حضور رئیس‌جمهور، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاون امور فرهنگی وزارت ارشاد، غلامعلی حداد عادل و جمعی از مسئولان فرهنگی و اهالی قلم، صبح دیروز در تالار وحدت برگزار شد. هیأت علمی چهل‌وسومین دورهٔ جایزهٔ کتاب سال اعلام کرد جایزهٔ ویژهٔ خویش را در بخش شخصیت علمی به پاس تحقیق و پژوهش در زمینهٔ علوم انسانی و اجتماعی، تألیف و ترجمه بیش از ۷۰ عنوان کتاب در حوزه‌های مختلف اندیشه و فلسفهٔ اسلامی و فلسفهٔ غرب، بیش از پنجاه سال تدریس و آموزش فلسفه در مراکز دانشگاهی ایران و تربیت نسل‌های بعدی استادان کشور، ابداع گفتارهای فلسفی و علمی در جامعهٔ دانشگاهی و مراکز سیاست‌گذاری علمی کشور، تبیین سرخط‌ها و ایده‌های معطوف به آسیب‌شناسی توسعه‌یافتگی به فیلسوف برجستهٔ معاصر دکتر رضا داوری اردکانی اهدا می‌کند.

باید به کتاب عمل کرد

مسعود پزشکیان در «آیین یابانی چهل‌وسومین جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی» با بیان اینکه اگر من مسئول توانایی‌هایی دارم به برکت کتاب و معلمان است، گفت: «کاری که از دست ما در دولت برمی‌آید این است که تلاش کنیم هم کتاب در اختیار مراکز قرار دهیم و هم مدیریت خواندن و خرید کتاب را انجام دهیم.» او با بیان این‌که به برکت کتاب انسان رشد و تجربه می‌کند، ادامه داد: «انسان‌ها به برکت کسانی که علم دارند راه خود را پیدا می‌کنند. مشکلات ما در هر زمینه‌ای به نوع آگاهی ما و درک‌مان از آن آگاهی و مهارت ما در اجرا برمی‌گردد.» رئیس‌جمهور با بیان این‌که گاهی به او اعتراض می‌کنند چرا در سخنانش از قرآن و نهج‌البلاغه می‌خواند، تصریح کرد: «کتاب، دستور زندگی است. من باید به کتاب عمل کنم و اگر عمل نکنم به انحراف رفته‌ام. نمی‌شود در کشور مسئولان مختلف یا بزرگانی باشند اما ندانند کتاب به آنان چه سنتوری داده و خلاف آن عمل کنند یا کتاب را بخوانند و روی طاقچه بگذارند و آن کار دیگر را انجام دهند.» پزشکیان با بیان این‌که موظفیم در جامعه عدالت را اجرا کنیم، گفت: «اگر قصور داریم به دلیل ناآگاهی، جهل و عدم درک از کتاب و سنت پیامبر و مسیری است که باید به آن عمل می‌کردیم. بدون عدالت و حقیقت امکان اینکه جامعه‌ای سسریا بماند بعید است. آن‌چه ما را از عمل به کتاب وامی‌دارد نفسانیت است. تمام چیزی که باعث بی‌عدالتی و حق‌کشی می‌شود نفس انسان است. دعو‌ها از من و نفس من است نه عامل دیگر.» رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه هیچ ظلمی بالاتر از ایستادن مقابل حق نیست، تصریح کرد: «مشکلات ما به دلیل فقدان آگاهی و مطالعه است. اگر هم مطالعه کنیم باید درک کنیم و به سمت اجرا برویم. این امر را باید در تمام زمینه‌ها دنبال کنیم.»

گزارش روز

خاموشی گوش شنوای سینمای ایران

نظام‌الدین کیایی؛ تنها کسی که امیر نادری دلتنگش بود

می‌کرد سینماگر باشد تا صدابردار و البته همه می‌دانند که کارگردان محبوب‌اش امیر نادری بود) .

او در ادامه افزود: «چندوقت قبل امیر نادری در مصاحبه‌ای گفت که هیچ‌وقت دلش برای هیچ‌کسی تنگ نمی‌شود به‌غیر از نظام‌الدین کیایی» .



مراسم تشییع نظام‌الدین کیایی یکی از اعضای قدیمی سینمای ایران، دیروز (یک‌شنبه) ۱۹ بهمن با حضور جمعی از اهالی سینما در بهشت‌زهرای تهران برگزار شد. بیشتر فعالیت کیایی که روز هفدهم بهمن درگذشت، در سینمای ایران به‌عنوان صدابردار بوده اما او نه یک صدابردار صرف که یک عاشق سینما بود. او در سال ۱۳۳۲ در تهران به‌دنیا آمد و از سال ۱۳۴۶ با فیلم «جاده زرین سمرقند» ساخته ناصر ملک‌مطیعی به‌عنوان بازیگر وارد سینمای ایران شد. تا سال ۱۳۵۱ او در دو فیلم دیگر هم ایفای نقش کرد: هنگامه ۱۳۴۷ و میخک سفید ۱۳۵۱. در فیلم «هنگامه» که ساموئل خاچیکیان کارگردانی‌اش را به‌عهده داشت، با بهروز وثوقی هم‌بازی شد. با این‌حال او از سال ۱۳۶۱ کارش در حوزه صدا را به‌عنوان صدابردار سرصحنه فیلم «دونده» ساخته امیر نادری آغاز کرد. کارگردانی که او شیفته‌اش بود و البته امیر نادری نیز همواره از علاقه‌اش به نظام‌الدین کیایی گفته است. از آن پس او در ۵ فیلم دیگر صدابردار سرصحنه بود و از سال ۱۳۷۰ کار مدیریت صدابرداری را در ۳۴ فیلم به‌عهده داشت. کیایی در سال ۷۴ برای فیلم «نون و گل‌دون» سمیرغ بلورین بهترین صدابرداری را برد و سال ۸۲ نیز برای فیلم «شمعی در باد» نامزد دریافت سیمرغ شد. یکی از کارگردانان و تهیه‌کنندگانی که نظام‌الدین کیایی در طی سال‌های فعالیت‌اش با او همکاری‌های زیادی داشته است، علی روئین‌تن است. شاید مهم‌ترین همکاری این دو به‌عنوان کارگردان و صدابردار به فیلم «دل‌شکسته» ۱۳۸۷ مربوط شود. روئین‌تن در گفت‌وگو با سازندگی در ارتباط با همکاری‌اش با کیایی گفت: «من کارهای زیادی با او انجام دادم اما به‌عنوان کارگردان، در دل‌شکسته همکاری کردیم» .

عاشق سینما بود

روئین‌تن در ادامه با ابراز تأسف از درگذشت نظام‌الدین کیایی گفت: «عاشق سینما بود. شخصیت خاص خودش را داشت. سعی



ایده‌های خسته کننده

درباره فیلم‌های «قایق سواری در تهران» و «کافه سلطان»

فرزانه متین

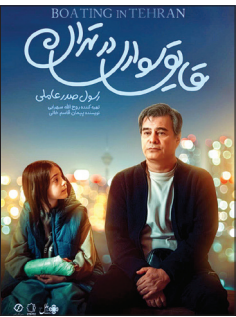
گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

مازیار و هدیه (با بازی سحر دولتشاهی) را برای مخاطب روشن می‌کرد، نتیجه بهتری می‌داد زیرا فلش‌بک‌ها بیشتر جنبه تزئینی دارند و به‌طور خاص به پیشبرد داستان کمکی نمی‌کنند. در نهایت، باید گفت که فیلم به‌جای یک اثر سینمایی کامل، بیشتر شبیه به یک تله‌فیلم است. «قایق‌سواری در تهران» به‌جای پرداخت سینمایی، به روایت‌های توضیحی و تمهیدات دم‌دستی متوسل شده و نتوانسته است به اندازه‌ای که از یک فیلم سینمایی انتظار می‌رود، اثری ماندگار و تأثیرگذار خلق کند.

«کافه سلطان» ترکیب خانواده با جنگ

فیلم «کافه سلطان» به کارگردانی مصطفی زراقی کریمی و تهیه‌کنندگی مرتضی زراقی کریمی، یک درام اجتماعی است که در جشنواره فیلم‌فجر مورد توجه قرار گرفت. این فیلم داستان خانواده‌ای را روایت می‌کند که در جنگ ۱۲روزه تحمیلی در ایران، در حال دست و پنجه نرم کردن با بحران‌های اقتصادی و اجتماعی هستند.

مهاذب، شخصیت اصلی فیلم، صاحب یک کافه رستوران به‌نام «کافه سلطان» است که تنها دارایی و سرپناه خانواده‌اش محسوب می‌شود. اما به دلیل کمبود مشتری، پسرش یونس بر فروش کافه اصرار دارد و این موضوع به یک بحران خانوادگی تبدیل می‌شود. در این فیلم، آریتا حاجیان در نقش مادر خانواده، محمدرضا شریفی‌نیا در نقش پدر، سجاد



بابایی و سیاوش طهمورث به‌عنوان بازیگران اصلی حضور دارند. این فیلم به‌نحوی به چالش‌های روابط خانوادگی و تصمیم‌های سخت زندگی پرداخته است. در حالی‌که مهاذب برای حفظ کافه‌اش تلاش می‌کند، پسرش یونس به‌دنبال راهی برای فرار از این زندگی سخت و شروعی جدید در تهران است.

«کافه سلطان» به‌نوعی داستانی از انتخاب‌ها و تصمیمات پیچیده انسانی را به تصویر می‌کشد، جایی‌که بحران‌های اقتصادی و فشارهای اجتماعی خانواده‌ها را از هم می‌گسلد. با وجود اینکه فیلم تلاش دارد مسائل جنگ و بحران‌های اجتماعی را به نمایش بگذارد، استفاده از یک پس‌زمینه جنگی ۱۲روزه به‌نظر بی‌ربط و گاه اضافه می‌آید. این جنگ بیشتر به‌عنوان یک ابزار برای کش دادن داستان و ایجاد فضای ملتهب به‌کار رفته است. در مورد بازیگران، آریتا حاجیان در نقش مادر خانواده نمایشی مؤثر دارد، به‌طوری‌که در عین حفظ اقتدار، انسانیت و نگرانی‌های یک مادر را به‌خوبی به تصویر کشیده است. سیاوش طهمورث نیز در نقش رحیمی، خریدار کافه، به‌خوبی توانسته فضای فیلم را به‌ویژه در صحنه‌های تنش‌آلود و تصمیم‌گیری‌های سخت، پررنگ کند. از سوی دیگر، محمدرضا شریفی‌نیا با بازی معقول خود نقش پدر خانواده را ایفا کرده که در این کشمکش‌ها در میانجی‌گری بین مهاذب و یونس قرار دارد. با وجود پتانسیل‌های موجود در داستان و بازیگران، «کافه سلطان» نتوانسته است با عمق کافی وارد مسائل اجتماعی و خانوادگی شود و بیشتر در سطح باقی مانده است. این فیلم در نهایت نتوانسته پیام‌های خود را به شکلی مؤثر و عمیق منتقل کند و بیشتر به یک اثر با دیالوگ‌های کش‌دار و گاه کلیشه‌ای تبدیل شده است که از جذابیت لازم برای مخاطب کم کرده است.



رسول صدرعاملی، کارگردان قدیمی سینما، که سال گذشته با فیلم «زیبا صدایم کن» موفق به دریافت سیمرغ بهترین فیلم شد، این‌بار به سراغ سوژه‌ای رمانتیک و طنز رفته است. صدرعاملی که پیشتر در آثارش به روایت واقعیت‌ها پرداخته، فعالیت حرفه‌ای خود را با روزنامه‌نگاری آغاز کرده و این پیشینه، تأثیر زیادی بر نگاه سینمایی‌اش گذاشته است. سینمای او بازتابی از واقعیات اجتماعی است و همواره بر موقعیت‌های انسانی و تصمیم‌هایی که شخصیت‌ها در بزنگاه‌های اخلاقی، عاطفی یا اجتماعی اتخاذ می‌کنند، تأکید دارد. فیلم جدید او، «قایق‌سواری در تهران»، که با تهیه‌کنندگی روح‌الله سهرابی و سرمایه‌گذاری مؤسسه تصویر شهر ساخته شده، دومین همکاری او با پیمان قاسمخانی پس از فیلم «دختری با کفش‌های کتانی» است. هرچند این فیلم یک کمدی موقعیت سرگرم‌کننده است که به‌خوبی می‌تواند مخاطب عام را راضی نگه دارد.

روایت فیلم از بازگشت مازیار (با بازی پیمان قاسمخانی) به ایران پس از سال‌ها مهاجرت آغاز می‌شود. در یک دوره‌می با دوستان قدیمی، مازیار از ازدواج با دختری بسیار جوان‌تر از

خود خبر می‌دهد، که این خبر حوادث عجیبی را برای او رقم می‌زند. در واقع، حادثه آغازین فیلم که در یک کافه رخ می‌دهد، دومینوی حوادث بعدی را شکل می‌دهد. فیلم در یک روز از صبح تا شب در تهران جریان دارد و به‌تدریج به دنیای فانتزی و عاشقانه وارد می‌شود. ایده و متن فیلم به گفته تهیه‌کننده، ۲۰ بار بازسازی شده و خلافتان است، اما متأسفانه در اجرا و پرداخت تازه و خلاق به‌نظر نمی‌رسد. بازیگران مطرحی چون پیمان قاسمخانی، سحر دولتشاهی، امین حیایی، زهره داوندژاد، محمد بحرانی و بنیتا افشاری در این فیلم حضور دارند. به‌گفته برخی منتقدان، درام اولیه فیلم شکل نمی‌گیرد و به سمت کمدی کودکانه پیش می‌رود. برای مثال، جابه‌جایی تلفن‌های همراه برای گرفتن یک عکس گروهی، تمهیدی است که فیلمساز می‌خواهد نشان دهد یک اشتباه کوچک چگونه می‌تواند زنجیرهای از اتفاقات را به‌دنبال داشته باشد. پلان آغازین یادآور فیلترهای اینستاگرامی است و تم‌های تکراری داستان، به‌نوعی ریلزهای عاشقانه را تداعی می‌کند. مهم‌ترین مشکل فیلم، پایان‌بندی نامتناسب آن با آغاز فیلم است. شوخی‌هایی که در فیلم مطرح می‌شوند، به‌طور کامل به دل نمی‌نشینند. سکانس گروگان‌گیری در مزون لباس، از نظر لحن و روایت، اغراق‌آمیز به‌نظر می‌رسد. همچنین، حضور امین حیایی در یک سکانس کوتاه، تأثیری در پیشبرد داستان ندارد و انگار هدف از حضورش به گیشه مرتبط باشد. نکته عجیب شاید اینکه فیلم بارها به سرمایه‌گذار و رپورتاژ شهرداری تهران ادای دین می‌کند. استفاده از فلش‌بک‌ها یا نمایش گذشته به‌صورت اسکیس‌گونه و نزدیک به انیمه، هیچ ضرورت روایی ندارد. شاید اگر فیلم از طریق دیالوگ‌ها، گذشته رابطه



دین / حدیث (تألیف): بررسی پدیده وضع و تحریف در احادیث مهدویت، سرویراستار: محمدباقر انصاری، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. دین / فقه و اصول: بررسی فقهی حفظ نظام و مسائل آن، تألیف سیدضیاء مرتضوی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. دین / اخلاق: اخلاق‌شناسی و مرزهای فلسفه، تألیف برنارد ویلیامز، ترجمه مینو حجت، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران. دین / عرفان (تألیف): عیار نقد: بررسی انتقادی روایات ناظر به نقد تصوف و عرفان، تألیف محمدعبسی جعفری، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران. دین / عرفان (تصحیح): باختری‌نامه: مجالس و نامه‌ها و رساله‌ها و لطائف و قطعات پراکنده، تألیف ابوالمعالی سیفال‌الدین سعید بن مطهر باختری، تصحیح اکبر راشدی‌نیا، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران علوم اجتماعی / اقتصاد (تألیف): بحران‌های مالی جهانی: ناگفته‌های بحران مالی جهانی، تألیف میرابوطالب بدری، شرکت چاپ و نشر بازگانی. علوم اجتماعی / اقتصاد (ترجمه): سرمایه‌داری مُرد، قاتل: فنودالیسم فناورانه، تألیف یانینس واروفاکیس، ترجمه زهرا عبدالمحمدی، روزنه. علوم اجتماعی / حقوق: نظریه عمومی توثیق عینی، تألیف جلیل قنواتی و محمد محلی، دانشگاه تهران.

زبان / زبان‌شناسی: زبان و معنی، تألیف کورش صفوی، تهران: علمی. هنر / کلیات هنر: ذهنیات معماری در مکتوبات فارسی در شرق ایران‌زمین سده‌های نخست اسلامی، تألیف فرزاد زبرداران، نشر و پژوهش شیرازه کتاب. هنر / موسیقی: رسالهٔ موسیقی نقاوه الودوار و تصانیف، تألیف عبدالعزیز بن عبدالقادر مراغی، تصحیح سیدحسین میثمی و مصطفی عبادی، تهران: ادبیات / شعر کلاسیک: تداعی: مجموعه شعر، سرودهٔ زینب احمدی، سوره مهر. ادبیات / شعر نو: عینک فوتوکروم، سروده محبوبه راد، تهران: فصل پنجم. ادبیات / نقد ادبی (ترجمه): تقلید و خلافت در غزل: استقبال از فغانی، تألیف پل ای. لوزنسکی، ترجمهٔ علی خراعی‌فر و سیدمهدی زرقانی، تهران: فرهنگ معاصر.

ادبیات / زبان‌های دیگر: سکوتی را به شما تقدیم می‌کنم، نوشتهٔ ماریو بارگاس یوسا، ترجمه سعید متین، نشر برج. کتاب‌رسان، نوشتهٔ کارستن هن، ترجمهٔ حسین تهرانی، نشر ثالث.

روئین‌تن در ادامه با اشاره به اهمیت کار صدابرداری در سینما گفت: «شاید هیچ بخشی در سینما به‌اندازه صدا نتواند یک فیلم را نجات بدهد. صدا در فیلم خیلی مقوله بزرگی است. باید پای میز تدوین بنشینید تا بفهمید چقدر این مسئله مهم است. ما در سینمای ایران صداپردازان بزرگی داشته و داریم؛ کسانی مانند مسعود بهنام، یدالله نجفی، رضا دلپاک، بهمن اردلان و... باید در متن و بطن سینما باشید تا بدانید صدا خیلی خیلی اهمیت دارد. شاید برای مخاطبان عام سینما، خیلی این مسئله اهمیت نداشته باشد و به چشم‌شان نیاید اما مثلاً کار محمدرضا دلپاک در صدابرداری فیلم «زیر پوست شهر» خانم (رخشان) بنی‌اعتماد تحسین‌برانگیز و بسیار تأثیرگذار است. پیش از انقلاب هم افراد بزرگی چون روییک منصوری را داشتیم».

دوران بی‌قراری

کارگردان فیلم‌های زمهریر و دل‌شکسته در ادامه با اشاره به شرایط این روزهای سینمای ایران گفت: «خود من اکنون در شرایط بی‌قراری به‌سر می‌برم. یک فیلم دفاع مقدس، یک سریال به‌نام «کوچه قهر و آشتی» و یک داستان درباره جنگ دوازده روزه دارم. درباره حوادث اخیر هم در حال نوشتن یک فیلم‌نامه هستم». او همچنین افزود: «حال سینمای ما مثل فوتبال‌مان، مثل جامعه و دیگر چیزهاست؛ همه‌چیز در بلاتکلیفی است». روئین‌تن با انتقاد از افت کیفیت آثار فیلمسازان هم گفت: «من یک مشکلی با سینمای حال حاضر ایران دارم. فکر می‌کنم فیلم‌های فیلمسازان شباهتی به زیست و شخصیت خودشان ندارد. کارگردانی که در فلان برج زندگی می‌کند، درباره زندگی یک شهید فیلم می‌سازد و معلوم است که نمی‌تواند آن فضا را به‌درستی بسازد. در فیلم شیرسنگی ساخته مسعود جعفری جوزانی یک دیالوگ جالب هست، جایی که می‌گوید: اسب همان اسب و تفنگ همان تفنگ است اما مرد همان مرد نیست. امروز سینما و تئاتر مان شبیه زندگی‌مان نیست». او همچنین ادامه داد: «ببینید ورزش کشتی مال خودمان است اما قهرمانی نداریم که چند دوره المپیک پشت‌سر هم مدال طلا گرفته باشد. چون وقتی به مدال طلا رسیدیم دیگر ره‌ایش می‌کنیم. اما کشتی‌گیران روس و آمریکایی را ببینید؛ هرکدام ۸، ۹ طلای پشت هم می‌گیرند چون آنجا وقتی قهرمانی می‌آورند، تازه کارشان شروع می‌شود. ما در ایران اما یک‌عمر تلاش می‌کنیم به شهرت برسیم اما وقتی مشهور شدیم، عینک آفتابی می‌زنیم تا کسی ما را نشناسد».

مؤسسه فرهنگی هنری هنرمندان مشرق زمین. ادبیات / متون قدیم: دیوان منوچهری دامغانی، تصحیح رضیه آبادیان، موقوفات دکتر محمود افشار. تاریخ و جغرافیا / مستندنگاری: قاسم، به روایت مرتضی سرهنگی، قم: خط مقدم کودک و نوجوان / داستان تألیفی: مامان جادوگر من با طعم خامه‌ش‌کلای، نوشتهٔ مژگان بابامرندی، تصویرگر: سحر یریرخ، پی‌نما. شیدخت، نوشتهٔ محدثه گودرزی‌نیا، پرتقال. کودک و نوجوان / شعر: بادکنک‌های رنگی‌رنگی بردار، سرودهٔ افسانه شعبان‌زاد، تصویرگر: سمیه محمدی، شهر قلم. من بال و پر دارم، سرودهٔ سعیده موسوی‌زاده، تصویرگر و طراح گرافیک: ثریا علی‌جان‌زاده، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

آثار شایسته تقدیر

کلیات / کتاب‌داری: فهرست منابع غیرکتابی کتاب‌خانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تألیف مریم امینی. کلیات / فرهنگ‌ها و دائرةالمعارف‌ها: موسوعه آیات الاحکام: طبقا لمذهب اهل البیت علیهم‌السلام مع المقارنه للمذاهب الاخری، تألیف قدرت‌الله انصاری، محمدجواد انصاری، حسین انصاری و... پژوهشکده باقر العلوم علیه‌السلام. کلیات / فرهنگ‌نگاری: دهخدا و لغت‌نامه، تألیف مریم میرشمسی، قطره. کلیات / تاریخ مطبوعات: اصناف روزنامه‌نگاری و مطبوعاتی تهران (۱۳۵۷ تا ۱۴۰۳)، تألیف فرید قاسمی، جهان کتاب. کلیات / نسخ خطی: متون پیشااسلامی موجود در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی (نسخه‌های خطی و چاپ سنگی)، تألیف فاطمه جهان‌پور، مرکز اسناد آستان قدس رضوی. فلسفه و روان‌شناسی / فلسفه غرب: فیزیک، تألیف ارسطو، ترجمهٔ اسماعیل سعادت، هر مس. دین / کلیات اسلام: مرد تدبیر و مدارا: احوال، افکار و آثار آیه‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری‌یزدی، تألیف سیدعباس رضوی، قم: مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.

کیایی کارمند صدواسیما بود و در کنار صدابرداری و بازیگری، کارهایی چون مدیریت تولید آثار را هم به‌عهده داشته است: «خیلی کارها انجام داد. یک شش سینمای واقعی بود. دوست داشت به همه جای سینما سرک بکشد. کنجکاو بود که با همه کار کند و گاهی در این زمینه حتی کنجکاوی افراطی داشت. بیشترین کسانی که با آنها کار کرده، من هستم و خانم پوران درخشنده». نظام‌الدین کیایی با بسیاری از کارگردان‌های مطرح سینما مانند داریوش مهرجویی، پوران درخشنده، پرویز شیخ‌طادی، علیرضا رئیس‌یان، ابوالحسن داوودی، ابوالفضل جلیلی، مهدی صباغ‌زاده در طول سال‌های فعالیت‌اش همکاری کرد. از مطرح‌ترین فیلم‌هایش به‌عنوان صداپرداز می‌توان به آفساید ۱۳۸۴، زابوم و دل‌شکسته ۱۳۸۷، چهل‌سالگی ۱۳۸۸، سوت پایان ۱۳۸۹، چه خوبه که برگشتی ۱۳۹۱، عصبانی نیستم ۱۳۹۲، رخ دیوانه ۱۳۹۳ و هزار پا ۱۳۹۶ اشاره کرد.



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

خوش‌بینی برقی

آیا تابستان سال آینده ناترازی برق نخواهیم داشت؟

فریده اسکندری

تحلیلگر اقتصاد

زمستان هنوز به پایان نرسیده است که گزارش‌ها از کسری شدید منابع آب در پنج سد مهم تأمین‌کننده آب تهران حکایت دارد. با وجود این شرایط، رئیس‌جمهور روز گذشته در دو نوبت بر ضرورت رفع مشکل برق و ناترازی انرژی در تابستان سال آینده تأکید کرد. مسعود پزشکیان با اشاره به برنامه‌های دولت در راستای استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر از مدیران خواست با شتاببخشی به اجرای این برنامه‌ها، شرایطی فراهم کنند تا کشور در تابستان آینده با قطعی برق مواجه نشود. رئیس‌جمهور سپس در مراسم دیگری نیز ابراز امیدواری کرد که با بهره‌گیری از ظرفیت پل‌های خورشیدی و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، برق کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی قطع نشود. پزشک‌یکان با تأکید بر رویکرد اساسی دولت در توسعه تولید انرژی‌های تجدیدپذیر و مدیریت مصرف انرژی‌های فسیلی از همه مدیران کشور خواست با تسریع در اجرای این برنامه‌ها، روند توسعه را به‌گونه‌ای هدایت کنند که در تابستان سال آینده، نته‌ها قطعی برق رخ ندهد بلکه هیچ کارخانه یا واحد تولیدی نیز در تأمین انرژی دچار مشکل نشود. وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به الگوی مصرف انرژی در کشور گفت: الگوی مصرف ما در حوزه انرژی ۳ تا ۵ برابر کشورهای پیشرفته است. اگر این روند ادامه یابد، ناچار به قطع گاز کارخانه‌ها خواهیم شد و در نتیجه، کار، تولید و اشتغال تعطیل می‌شود و بیکاری و مشکلات ناشی از آن افزایش می‌یابد. با این حال تمام تلاش خود را به‌کار می‌گیریم تا با استفاده از ظرفیت پل‌های خورشیدی و انرژی‌های تجدیدپذیر، برق کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی قطع نشود. رئیس‌جمهور افزود: در این مدت بیش از ۵ هزار مگاوات برق تولید شده است تا واحدهای تولیدی بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند. این اظهارات برای جامعه‌ای که سال‌ها با خاموشی‌های برنامه‌ریزی شده و ناگهانی به‌ویژه در تابستان و زمستان، دست‌وپنجه نرم کرده است، حاوی پیام‌های امیدوارکننده‌ای است. با این حال، این وعده‌ها در شرایطی مطرح می‌شود که بخش قابل‌توجهی از پروژه‌های برق خورشیدی کشور هنوز به مرحله بهره‌برداری نرسیده‌اند و توسعه این منبع انرژی با موانع فنی، مالی و نهادی جدی روبه‌روست.

به باور متخصصان، انرژی خورشیدی اگرچه یکی از مهم‌ترین گزینه‌ها برای گذار انرژی و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی به‌شمار می‌رود اما از نظر ظرفیت، پایداری و سرعت توسعه با محدودیت‌هایی مواجه است که انکای کامل به آن برای جبران ناترازی گسترده برق کشور را با تردید روبه‌رو می‌کند. ناترازی برقی در ایران حاصل سال‌ها سرمایه‌گذاری ناکافی در تولید، فرسودگی شبکه، رشد شتابان مصرف و سیاست‌های قیمت‌گذاری دستوری است؛ مسائلی که با افزودن چند هزار مگاوات ظرفیت خورشیدی، آن هم در بازه‌ای کوتاه، به‌سادگی حل نخواهند شد. بسیاری از طر‌ح‌های خورشیدی با همچنان در مرحله قرارداد و کلنگ‌زنی باقی مانده‌اند یا به دلیل مشکلات تأمین مالی، بروکراسی پیچیده، نبود تضمین پایدار خرید برق و تغییر مکرر سیاست‌ها با تأخیرهای طولانی مواجه شده‌اند. از سوی دیگر، تولید برق خورشیدی ذاتاً ناپایدار و وابسته به ساعات تابش خورشید است؛ موضوعی که بدون وجود زیرساخت‌های ذخیره‌سازی انرژی یا شبکه‌ای انعطاف‌پذیر امکان اتکا به آن برای تأمین برق پایدار در ساعات اوج مصرف را محدود می‌کند. از این منظر، برخی کارشناسان معتقدند سپردن بار رف‌ کامل خاموشی‌ها به برق خورشیدی، نه‌تنها خوش‌بینانه بلکه از نظر فنی و اقتصادی نادرست است. به باور آنها، انرژی خورشیدی می‌تواند، بخشی از راه‌حل ناترازی برق باشد اما نه جایگزینی فوری و کامل برای نیروگاه‌های حرارتی، مدیریت مصرف، اصلاح قیمت انرژی و نوسازی شبکه برق. بدون اجرای مجموعه‌ای از اصلاحات همزمان، وعده حذف کامل قطعی برق صرفاً با اتکا به پل‌های خورشیدی، بیش از آنکه یک برنامه اجرایی باشد به یک شعار سیاسی شباهت خواهد داشت. در مجموع تأکید دولت بر توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را می‌توان گامی ضروری و اجتناب‌ناپذیر در مسیر اصلاح ساختار انرژی کشور دانست اما تبدیل این رویکرد به راه‌حلی سریع برای بحران ناترازی برق، نیازمند واقع‌بینی بیشتری است. تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که بحران انرژی در ایران حاصل مجموعه‌ای از تصمیمات انباشته و ساختاری است و نه صرفاً کمبود ظرفیت تولید. از این‌رو، هرگونه وعده برای عبور از تابستان بدون خاموشی اگر با برنامه‌ای شفاف برای اصلاح الگوی مصرف، بازنگری در نظام قیمت‌گذاری، تأمین مالی پایدار و نوسازی شبکه برق همراه نشود، در معرض همان سرنوشتی قرار می‌گیرد که بسیاری از وعده‌های مشابه پیشین به آن دچار شده‌اند.

بی‌خیالی بازارها

چرا بازارها به دیوانه‌بازی‌های ترامپ واکنش نشان نمی‌دهند؟

احمد هوشیاری

منتظم

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در طول سال گذشته متحدان آمریکا را با تعرفه‌ها مورد آزار و اذیت قرار داده، فدرال‌رزرو را به چالش کشیده و با کسری بودجه طوری رفتار کرده که انگار فقط یک عامل حواس‌پرتی است. با این حال اکثر بازارهای دارایی با بی‌خیالی به‌ کار خود ادامه می‌دهند انگار که هیچ مشکلی وجود ندارد. شاخص سهام S&P ۵۰۰ با روی آوردن سرمایه‌گذاران به هوش مصنوعی در ۱۲ ماه گذشته تا ۱۴ درصد بالا رفت. رشد اقتصادی در آمریکا هنوز هم مایه حسادت جهانیان است. بازده اوراق خزانه ۱۰ ساله، که باید با خطر تورم یا نکول افزایش یابد، ۴/۳ درصد کمتر از زمانی است که آقای ترامپ سوگند ریاست‌جمهوری خود را ادا کرد.

بسا این حال اگر دقیق‌تر نگاه کنید، تصویری تاریک‌تر و پیچیده‌تر خواهید دید. دلار آمریکا از زمان اوج ارزشش در ژانویه ۲۰۲۵ یک‌دهم ارزش خود را در برابر سبد وسیعی از ارزها از دست داده و در نتیجه، عملکرد دارایی‌های آمریکایی بر مبنای ارز خارجی ضعیف بوده است. به‌عنوان مثال، وقتی

سهام آمریکا به یورو ارزش‌گذاری می‌شوند، نمی‌توان افزایش ارزشی برای آنها در طول سال گذشته تصور شد. سقوط ارزش پول ملی تا حدودی نشان‌دهنده کاهش شکاف نرخ بهره بین آمریکا و سایر نقاط جهان است. با این حال همان‌طور که اکونومیست در هفته قبل گزارش داد، مؤسسه‌های آمریکایی نیز منبع نگرانی هستند. تشنج‌های هراس در میان سرمایه‌گذاران شایع‌تر شده‌اند. درست همانند آوریل ۲۰۲۵ و پس از آنکه آقای ترامپ تعرفه‌های «روز آزادی» خود را اعلام کرد. در چنین لحظاتی، سرمایه‌گذاران از دارایی‌های آمریکایی پرهیز می‌کنند و باعث می‌شوند اوراق قرضه، سهام و ارز همگی از نظر ارزش سقوط کنند. این اتفاق که در بازارهای نوظهور رایج‌تر است در ۷ هفته از ۵۲ هفته گذشته اتفاق افتاد که حدود سه برابر بیشتر از دهه قبل بود.

وقتی آقای ترامپ از نظریه‌های دیوانه‌وارش عقب‌نشینی می‌کند، اوضاع به شکل عادی برمی‌گردد. اما این تشنج‌ها، تصویری اجمالی از دنیایی آشفته ارائه می‌دهند که در آن دارایی‌های دلاری دیگر امن نیستند. با توجه به اینکه دلار ارز ذخیره جهانی است و دارایی‌های خارجی‌ها در آمریکا بیشتر از دارایی‌های آمریکایی‌ها در خارج از کشور است و به میزان ۸۹ درصد از تولید ناخالص داخلی عمو سام می‌رسد چنین چشم‌اندازی نگران‌کننده می‌نماید. در عین حال قیمت طلا هم به حدود ۵ هزار دلار افزایش یافته که حدود ۷۵ درصد افزایش در یک سال را نشان می‌دهد و این گمانه‌زنی را تقویت می‌کند که سرمایه‌گذاران قصد دارند در برابر کاهش ارزش دلار و سایر

بازار سهام

روز نزول دلار

در بازارهای مالی چه اتفاقاتی رخ داد؟

نسرين خدادادی

گروه اقتصاد

بازارهای مالی در دومین روز معاملاتی هفته، تصویری از تردید و احتیاط سرمایه‌گذاران را به نمایش گذاشتند؛ وضعیتی که همزمان در بورس، بازار ارز و بازار طلا قابل مشاهده بود. اگرچه در ابتدای معاملات، نشانه‌هایی از تحرک مثبت دیده شد اما در ادامه، ضعف تقاضا و افزایش عرضه، مسیر بازارها را تغییر داد. در بازار سهام، شاخص کل بورس معاملات روز گذشته را با روندی صعودی و قابل‌قبول آغاز کرد اما در ادامه با کاهش عطش تقاضا و ورود فروشندگان، ناچار به عقب‌نشینی شد. در نهایت، شاخص کل به رشد محدود ۰٫۲۵ درصدی رضایت داد؛ رشدی که بیش از آنکه بیانگر بازگشت اعتماد باشد به نوسانات مقطعی شباهت داشت. در مقابل، شاخص هم‌وزن که رفتار کلیت بازار را بهتر منعکس می‌کند، عملکردی

خطرات احتمالی از خود محافظت کنند.

این باید کسانی را به اندیشه وادارد که فکر می‌کنند، قدرت مالی آمریکا شکست‌ناپذیر است. معرفی کوین وارش (Kevin Warsh) برای رهبری فدرال‌رزرو توسط آقای ترامپ در ۳۰ ژانویه آخرین نمونه از بازگشت آشکار به حالت عادی بود. آقای وارش یک بانکدار مرکزی باتجربه است که ارتباطاتش در وال‌استریت در عبور از بحران مالی جهانی ۲۰۰۹-۲۰۰۷ به فدرال‌رزرو کمک کرد. سابقه سیاست پولی او نشان از یک تندروی پیش از حد دارد. نامزدی او ارزش دلار را افزایش و قیمت طلا را کاهش داد. آقای وارش نسبت به کوین هست (Kevin Hassett) مشاور چاپلوس کاخ سفید و نامزد پیشتاز



اولیه، فن‌سالارتر و کمتر حزب‌گراست. با این حال این افزایش اندک قیمت، تصویر کلی را تغییر نمی‌دهد. تنها در طول ماه گذشته، که طی آن آقای ترامپ گرینلند را تهدید کرد، دلار ۱/۵ درصد کاهش و طلا ۱۴ درصد افزایش یافت. آقای وارش سابقه‌ای تدرروانه دارد اما درست از زمانی که آقای ترامپ جست‌وجو برای نامزد مورد نظرش را آغاز کرد از کاهش نرخ بهره حمایت کرده است.

آقای وارش دو استدلال اصلی برای پول انبساطی دارد. اول اینکه هوش مصنوعی (AI) باعث رونق بهرهوری می‌شود و رشد سریع را ممکن می‌کند (درحالی که تورم کاهش می‌یابد). درست است که در شرایط برابر، تولید بیشتر (output) بر قیمت‌ها تأثیری کاهشی می‌گذارد و داده‌های اخیر بهرهوری هم دلگرم‌کننده هستند. اما رشد بهرهوری همچنین سرمایه‌گذاری (به‌عنوان مثال، در مراکز داده) را تشویق می‌کند درحالی که بازارهای سهام در حال رشد و خوش‌بینی اقتصادی مشوق هزینه‌های بیشتر مصرف‌کننده هستند. اگر تب هوش مصنوعی (AI) ادامه یابد به احتمال زیاد به نرخ بهره بالاتر منجر خواهد شد تا نرخ بهره پایین‌تر. در دوران رونق دات‌کام (dotcom boom) دهه ۱۹۹۰ فدرال‌رزرو نیز فکر می‌کرد که بهرهوری نرخ بهره را پایین نگه می‌دارد اما در پایان دهه عکس آن اتفاق افتاد. آقای وارش همچنین استدلال می‌کند که فدرال‌رزرو می‌تواند با کنار گذاشتن دارایی‌های بلندمدت، اثر محرک نرخ‌های پایین‌تر را جبران کند و همزمان پدل گاز و ترمز را فشار دهد. ممکن است فدرال‌رزرو در واقع به کوچک کردن ترازنامه خود

ضعیف‌تر از خود نشان داد. با سرخ‌پوشی بیش از ۷۰ درصد

نمادها، این شاخص با افت ۰٫۴۳ درصدی همراه شد و در محدوده یک میلیون و ۳۰ هزار واحد آرام گرفت؛ نشانه‌ای از فشار فروش در بخش عمده‌ای از بازار. جریان نقدینگی نیز بر این فضای محتاطانه مهر تأیید زد. هرچند در نخستین روز معاملاتی هفته، ورود پول حقیقی به بازار ثبت شده بود اما در معاملات دیروز بیش از هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان پول حقیقی از بورس خارج شد. این درحالی است که ارزش معاملات خرد به ۱۸ هزار و ۱۴۱ میلیارد تومان رسید؛ رقمی که از فعال بودن بازار حکایت دارد اما خروج نقدینگی نشان می‌دهد، بخش مهمی از معامله‌گران ترجیح داده‌اند در شرایط فعلی ریسک خود را کاهش دهند. در بازار ارز نیز نوسان ادامه داشت. دلار آزاد که معاملات روز گذشته را در سطح ۱۵۵ هزار و ۵۰۰ تومان به پایان رسانده بود، معاملات روز جاری را در همان محدوده آغاز کرد اما در ادامه با افزایش تقاضا دو کانال بالاتر رفت و به کانال ۱۵۷ هزار

نیاز داشته باشد هرچند این کار به‌معنای تغییر نظام پولی خواهد بود. آقای وارش در اوایل دهه ۲۰۱۰ به اشتباه هشدار داد که خرید دارایی‌ها باعث تورم بالا می‌شود. امروز او ادعا می‌کند که کنار گذاشتن آنها باعث کاهش تورم خواهد شد. اما در واقع چنین کاری تنها تأثیر کمی خواهد داشت. اگر رئیس جدید فدرال‌رزرو پس از تأیید، همکاری‌اش را متقاعد کند که با کاهش شدید نرخ بهره همراه شوند احتمالاً این کاهش‌ها بی‌موقع خواهند بود. تورم آمریکا با نرخ ۲/۸ درصد هنوز بالاتر از هدف ۲ درصدی خود است. امسال مالیات‌ها کاهش می‌یابند و به زودی زمان بازپرداخت مالیات‌ها نیز فرا خواهد رسید که محرکی حدود ۰/۳ درصد از تولید ناخالص داخلی را فراهم می‌کند. اگر، همان‌طور که محتمل است، دیوان‌عالی کشور بسیاری از تعرفه‌های آقای ترامپ را غیرقانونی اعلام کند، بازپرداخت‌هایی به ارزش ۰/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی به‌دنبال خواهند آمد. این محرک پولی و مالی ترکیبی می‌تواند به تورم بالاتر بینجامد و دارایی‌های دلاری را بیشتر در معرض تردید قرار دهد.

آمریکا تا کجا می‌تواند شانس خود را به کار گیرد؟ این کشور از این بابت خوش‌شانس است که سرمایه‌گذاران، جایگزین‌های کمی برای نگهداری دلار دارند. فلزات گرانبها جایگزین ضعیفی برای ارز خارجی هستند و هیچ اوراق قرضه‌ای نمی‌تواند با حجم، قابلیت نقدشوندگی و ایمنی قانونی اوراق خزانه رقابت کند. خارجی‌ها بیشتر از سهام‌گران قیمت آمریکا دوری می‌کنند تا از اوراق قرضه و نوسانات سهام فناوری در این هفته نشان می‌دهد که اوضاع چقدر می‌تواند سریع تغییر کند. اگرچه بانک‌های مرکزی ذخایر خود را متنوع کرده‌اند اما سهم دلار در بانکداری فرامرزی، صورتحساب‌های تجاری، بدهی جهانی و معاملات ارزی همچنان غالب است.

کاهش ارزش دلار

همه اینها محافظتی در برابر سقوط دلار است. با این حال سیاست‌گذاری‌های بی‌ثبات و کاهش نرخ ارز، نگهداری دلار را نسبت به دهه‌های گذشته پرخطرتر می‌کند. حتی اگر آقای وارش در مورد تورم درست گفته باشد، نرخ بهره پایین‌تر، این ارز را بیشتر تضعیف خواهد کرد. با وجود کاهش اخیر، دلار آمریکا در مبنای واقعی بالاتر از میانگین بلندمدت خود و طبق شاخص بیگ‌مک ما در برابر اکثر ارزها بیش از حد ارزش‌گذاری شده است.

نیاز به جایگزین‌هایی برای دلار سرمایه‌گذاران خارجی را محکوم به تحمل ضرر می‌کند و باید به سرمایه‌گذاران آمریکایی نسبت به خطر پیدایش یک جایگزین در آینده هشدار دهد. همه باید نگران آن باشند که چگونه دارایی‌ای که پناهگاه سرمایه‌گذاران است به‌طور فزاینده‌ای توسط خطراتی تهدید می‌شود که اکنون تمام جهان باید تحمل کند.

منبع: اکونومیست

تومان رسید. این حرکت صعودی، بار دیگر حساسیت بازار ارز به انتظارات تورمی و فضای نااطمینانی اقتصادی را برجسته کرد. بازار طلا هم هم‌راستا با رشد نرخ ارز، افزایش قیمت را تجربه کرد. براساس اعلام اتحادیه طلا و جواهر تهران، قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار به ۱۸ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسید و سسکه امامی نیز در سطح ۱۸۹ میلیون تومان میان خریداران و فروشندگان معامله شد. صندوق‌های طلا نیز در معاملات دیروز در محدوده مثبت قرار داشتند اما با وجود سبزپوشی با خروج ۳۵ میلیارد تومان پول حقیقی در نیمه نخست معاملات مواجه شدند؛ موضوعی که نشان می‌دهد حتی در بازار طلا نیز احتیاط سرمایه‌گذاران همچنان پابرجاست. در مجموع رفتار همزمان بورس، ارز و طلا نشان می‌دهد، فضای غالب بازارها همچنان تحت‌تأثیر نااطمینانی و نبود چشم‌انداز روشن قرار دارد. تا زمانی که متغیرهای کلان اقتصادی و انتظارات سرمایه‌گذاران به ثبات نرسد، نوسان و رفتارهای محافظه‌کارانه، و بزرگی اصلی بازارهای مالی خواهد بود.

مسافرکشان مرگ

جسد ملیکا دختر ۲۲ ساله دانشجو در کانال آب حسن آباد پیدا شد



گروه اجتماعی: در میانه سرمای بهمن‌ماه، خبر پیدا شدن جسد نیمه‌خورده «ملیکا» دختر ۲۲ ساله دانشجوی گرافیک در حاشیه کانال آب حسن‌آباد فشافویه، لرزه بر اندام جامعه‌ای انداخت که هنوز داغ «الله حسین‌نژاد» را بر سینه داشت. درحالی‌که خانواده ملیکا در بهت و ناباوری پیکر فرزندشان را در پزشکی قانونی شناسایی کردند یک پرسش هولناک بر فضای رسانه‌ای سایه افکنده است: چرا با وجود تمام وعده‌ها، زنگ خطرهای قبلی و پرونده‌های مشابه همچنان «مسافت کار تا خانه» برای دختران این سرزمین به مسیری میان مرگ و زندگی تبدیل شده است؟

بازخوانی یک جنایت تکراری: از الهه تا ملیکا

سناریوی قتل ملیکا، رونوشتی برابر با اصل از فاجعه‌ای است که تابستان گذشته برای الهه حسین‌نژاد، دانشجوی ۲۴ ساله اسلامشهری رخ داد. الهه در مسیر بازگشت از کار سوار یک سمند سفید شد و هرگز به مقصد نرسید؛ قاتل او پس از یک هفته یازداشت و به اعدام محکوم شد. اکنون ملیکا دقیقاً با همان الگو قربانی شده است: پایان ساعت کاری در آرژانتین، متروی جوانمرد قصاب، اعتماد به یک خودروی مسافربر برای رسیدن به قرچک و سرانجام، درگیری، ضربات چاقو و رها شدن جسد در بیابان‌های اطراف تهران. نکته تکان‌دهنده در پرونده ملیکا، استمداد لحظه‌ای اوست؛ او لوکیشن خود را برای دوستش فرستاده و از «رفتار عجیب راننده» گلایه کرده بود. این یعنی قربانی در لحظات وقوع فاجعه، متوجه خطر شده اما هیچ سیستم سیانتی، هیچ گشت انتظامی و هیچ سازوکار نظارتی بر مسافربرهای شخصی وجود نداشته تا او را از چنگال قاتلی که

ادامه تیتیر یک

برای طلاها و مدارکش دندان تیز کرده بود، نجات دهد. سرهنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران درحالی‌که خبر از سرقت اموال ملیکا و متواری بودن قاتل می‌دهد که جامعه می‌پرسد: آیا تنها وظیفه نهادهای مسئول، «کشف جسد» و «تعقیب قاتل» بعد از وقوع جنایت است؟

وعده‌های بایگانی شده و سیاست‌ورزی واکنشی

پس از قتل الهه حسین‌نژاد، موجی از اظهارنظرهای رسمی فضای کشور را پر کرد. زهرا بهروزآذر، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان، آن اتفاق را «زنگ خطری جدی» نامید و وعده اقدامات پیشگیرانه داد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که طرح‌های اصلاحی برای نظارت بر ناوگان حمل‌ونقل و احراز هویت رانندگان تاکسی‌های اینترنتی و مسافربرهای شخصی همچنان در راهروهای اداری وزارت کشور و شورای عالی هماهنگی ترافیک سرگردان است. اگرچه جلسات فشرده‌ای برگزار شد و وعده داده شد که پلیس با مسافربرهای شخصی غیرمجاز قاطعانه برخورد می‌کند اما واقعیت کف خیابان چیز دیگری را روایت می‌کند. هنوز هم در گلوگاه‌های اصلی شهر مانند جوانمرد قصاب، فقدان نظارت بر خودروهای شخصی، زنان را ناچار می‌کند میان ایستادن در صف‌های طولانی و ناایمن یا سوار شدن به خودروهای ناشناس، دومی را انتخاب کنند؛ انتخابی که گاه به قیمت جانشان تمام می‌شود.

لایحه امنیت زنان؛ در انتظار معجزه یا اراده سیاسی؟

ریشه این ناامنی‌ها را باید در جای دیگری نیز جست‌وجو کرد: خلأ قانونی. لایحه «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت»

که سال‌هاست میان دولت و مجلس دست‌به‌دست می‌شود عملاً به بن‌بست رسیده است. اعلام شد که این لایحه با تغییرات ساختاری به دولت بازگشته و هنوز به مرحله اجرا نرسیده است. فرید موسوی به‌درستی اشاره کرده بود که سیاست‌گذاری‌های ما «واکنشی» است؛ یعنی تنها زمانی که جسدی پیدا می‌شود، مسئولان به فکر اصلاح قانون می‌افتند و با فروکش کردن موج رسانه‌ای، همه چیز به دست فراموشی سپرده می‌شود. آمارهای تکان‌دهنده نشان می‌دهد که خشونت علیه زنان یک پدیده اتفاقی نیست. ثبت دست‌کم ۶۳ مورد همسرکشی تا پاییز امسال و آمارهایی که حکایت از قتل یک زن در هر سه روز دارد، نشان‌دهنده یک بحران عمیق ساختاری است. وقتی قانونی جامع برای حمایت از زنان وجود ندارد و وقتی مجازات‌ها بازدارندگی لازم را ندارند، فضا برای بازتولید خشونت توسط افراد بزه‌کار فراهم می‌شود.

چه کسی پاسخگوی خون‌های ریخته شده است؟

ملیکا دیگر به دانشگاه نمی‌رود تا از پایان‌نامه‌اش دفاع کند. او هم مانند الهه، قربانی «ناامنی سیستماتیک» در سیستم حمل‌ونقل و «بی‌عملی مسئولان» شد. مسئولانی که پس از هر فاجعه، پشت تریبون‌ها از «ضرورت ایمن‌سازی» سخن می‌گویند باید پاسخ دهند که از زمان قتل الهه تا امروز دقیقاً چه قدم عملی برای حذف خودروهای فاقد صلاحیت از چرخه

شمشیری که بعدها به دست شیر رسید

اگر «شیر و خورشید» را یکی از پایدارترین نمادهای تاریخ ایران بدانیم باید توجه داشت که همه عناصر این نشان هم‌زمان و از ابتدا کنار هم نبوده‌اند. یکی از مهم‌ترین اجزای بحث‌برانگیز این نماد، شمشیری است که در دوره‌ای متأخر به دست شیر اضافه شد؛ عنصری که امروز در بسیاری از بازنمایی‌های پرچم تاریخی ایران، به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر آن شناخته می‌شود اما در واقع چنین نبوده است. بررسی منابع تاریخی و تصاویر باقی‌مانده از دوره‌های صفوی نشان می‌دهد که شیر و خورشید در نخستین اشکال رسمی خود فاقد هرگونه سلاح بودند. شیر معمولاً به‌صورت ایستاده یا در حال حرکت، تصویر می‌شد و خورشید با چهره‌ای انسانی یا بدون چهره در پشت یا بالای آن قرار داشت. در این دوره، نماد بیش از آنکه بار مذهبی داشته باشد، ریشه در سنت‌های نجومی، اسطوره‌ای و سلطنتی داشت و به‌عنوان نشانه‌ای از قدرت، نظم کیهانی و پادشاهی به کار می‌رفت.

ورود شمشیر به این نماد، به‌تدریج و از اواخر دوره زندیه و به‌طور مشخص در دوره قاجار رخ داد. در این مقطع تاریخی، دولت مرکزی ایران در تلاش بود تا مشروعیت سیاسی خود را بیش از پیش با مفاهیم مذهبی، به‌ویژه تشیع، پیوند بزند. در همین چارچوب، تفسیری تازه از نماد شیر و خورشید شکل گرفت؛ تفسیری که در آن شیر به‌عنوان نماد حضرت علی(ع) خوانده شد. لقبی که در متون دینی برای او به‌کار رفته – «اسدالله الغالب» – به این تفسیر قدرت بیشتری بخشید.

بر اساس این خوانش، شمشیری که به دست شیر داده شد، اشاره‌ای نمادین به ذوالفقار، شمشیر منسوب به حضرت علی(ع) داشت. از این پس، ترکیب نمادین شیر، شمشیر و خورشید می‌توانست هم‌زمان حامل پیام‌های مذهبی، سیاسی و ملی باشد: قدرت، عدالت، دفاع و مشروعیت الهی. این برداشت البته حاصل یک روند تاریخی و ایدئولوژیک بود و نه بازتاب معنای اولیه نماد. در دوره قاجار، شیر شمشیر به‌دست به‌تدریج به شکل غالب و رسمی این نشان تبدیل شد. پرچم‌های دولتی، سکه‌ها، نشان‌ها و مدال‌های حکومتی همگی این تصویر را بازتولید می‌کردند. حتی جهت نگاه شیر و حالت نگه داشتن شمشیر نیز واجد معنا تلقی می‌شد؛ اغلب شیر رو به سمت چپ تصویر می‌شد و شمشیر را به نشانه آمادگی و اقتدار در دست داشت.



برگی از شهنامه چنگیزی، متعلق به دوره تیموریان که اولین بار شیر و خورشید در پرچم قرار گرفت

هم ملی، هم مذهبی

از سوی دیگر افسانه نجم‌آبادی، پژوهشگر ایرانی، اشاره می‌کند که نشان شیر و خورشید موفقیتی بی‌مانند در به تصویر کشیدن هویت مدرن ایرانی داشته و تحت تأثیر همه فرهنگ‌های مهم تاریخ ایران – از جمله زرتشتی، شیعی و ایرانی – بوده است. در اساطیر ایرانی نیز بارها شیر و خورشید نزد قوم پارسی باستان، وجهه‌ای مقدس یافته‌اند؛ برای مثال در تحولات ساسانی، خورشید و شیر هر یک نمادی از قدرت بودند. نخستین شواهد ثبت شده از به‌کارگیری نماد شیر و خورشید روی پرچم به دوران اواسط قرن پانزدهم میلادی بازمی‌گردد. دانشنامه ایرانیکا به یک تصویر شاهنامه مصور متعلق به سال ۱۴۲۳ میلادی اشاره می‌کند که در آن شیر و خورشید روی یک پرچم نقاشی شده است. این منبع همچنین تصویری مشابه از دوره تیموری (حدود ۱۴۶۰ میلادی) نقل می‌کند. بنابراین قرن پانزدهم، اولین برهه‌ای است که این نماد به پرچم ایرانیان وارد می‌شود.

از زمان ظهور سلسله صفویه (قرن شانزدهم میلادی) نیز نماد شیر و خورشید، جایگاه رسمی‌تری یافت. شاه عباس اول صفوی (بنیان‌گذار امپراتوری صفوی) این نشان را به عنوان سمبل ایران پذیرفت و از آن به‌عنوان نشان رسمی مملکتی استفاده شد. در زمان شاه عباس به بعد، شیر و خورشید به «نشان شناخته‌شده ایران» تبدیل شده بود. در واقع صفویان با تأکید بر مذهب شیعه و بازنمایی مفاهیم دینی-ملی، تفسیر ویژه‌ای نیز از این نماد داشتند؛ برای مثال برخی حکیمان و مورخان شیعه، شیر را نمادی از امام علی(ع) و خورشید را نمادی از مریم یا خدا انگاشته‌اند، گرچه تلقی‌های مختلفی وجود داشته است.

در دوران قاجار (قرن نوزدهم و اوایل بیستم میلادی) علامت شیر و خورشید کاملاً عنصر مرکزی هویت ملی ایران شد. فتح‌علی‌شاه و ناصرالدین‌شاه قاجار، پرچمی سهرنگ (آبی یا سبز، سفید و قرمز) را به کار گرفتند که در وسط نوار سفید رنگ شیر و خورشید قرار داشت.

به‌گزارش بریتانیکا، پرچم ایران از سده پانزدهم میلادی چنین ترکیبی داشت و در انقلاب مشروطه ۱۲۸۵ (۱۹۰۶م.) پرچم سهرنگ سبز-سفید-قرمز با همان

مرگ ۱۰۰ دانشجو

معاون وزارت بهداشت: دو دانشجوی علوم پزشکی در میان کشته‌شدگان؛ ۹ دانشجو همچنان بازداشت هستند

معاون فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت با ارائه آماری از تلفات انسانی در حوادث اخیر کشور از جان‌باختن نزدیک به ۱۰۰ دانشجو خبر داد. دکتر مسعود حبیبی در گفت‌وگو با ایسنا اعلام کرد که این آمار مربوط به دانشجویانی است که در جریان ناآرامی‌ها، جان خود را از دست داده‌اند و به ادعای او: در بخشی از این حوادث «عوامل خارجی و تروریستی» نقش داشته‌اند. به گفته حبیبی، با نظر رهبر انقلاب، بسیاری از جان‌باختگان این وقایع به‌عنوان «شهید» شناخته شده‌اند. او این موضوع را نشانه‌ای از توجه حاکمیت به جان‌باختگان دانست هرچند جزئیات مستقلی درباره نحوه کشته شدن این دانشجویان یا تفکیک دقیق قربانیان ارائه نکرد. معاون فرهنگی وزارت بهداشت همچنین به وضعیت دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی اشاره کرد و گفت که در جریان این حوادث، دو نفر از دانشجویان علوم پزشکی کشور، جان خود را از دست داده‌اند. به گفته او، یکی از این دانشجویان متعلق به دانشگاه علوم پزشکی مشهد و دیگری دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی تهران بوده است. حبیبی مدعی شد که هر دو نفر در فهرست شهدای این حوادث قرار گرفته‌اند. وی همچنین افزود که علاوه بر این دو نفر در جریان «جنگ ۱۲ روزه» نیز دو دانشجوی علوم پزشکی دیگر جان باخته‌اند. با این حال، اطلاعات بیشتری درباره زمان، مکان و شرایط جان‌باختن این دانشجویان ارائه نشد و مشخص نیست این موارد در آمار نزدیک به ۱۰۰ دانشجوی کشته شده محاسبه شده‌اند یا خیر. در بخش دیگری از این گفت‌وگو، حبیبی به وضعیت دانشجویان بازداشت‌شده پرداخت و گفت که بخش قابل‌توجهی از دانشجویان بازداشتی در دانشگاه‌های علوم پزشکی آزاد شده‌اند. او اعلام کرد که در حال حاضر حدود ۸ تا ۹ نفر از دانشجویان علوم پزشکی همچنان در بازداشت به‌سر می‌برند و پیگیری‌هایی برای آزادی آنها در حال انجام است. آمار اعلام شده درباره جان‌باختن نزدیک به ۱۰۰ دانشجو درحالی‌که مطرح می‌شود که تاکنون گزارش رسمی، شفاف و تفکیک شده‌ای از سوی نهادهای مسئول درباره هویت، محل تحصیل، نحوه جان‌باختن و شرایط دقیق کشته شدن این دانشجویان منتشر نشده است.

